

ارزیابی سیاست‌های اشتغال در ایران

مینو امینی میلانی*

محمد صادق علیپور**

علیرضا محمودزاده***

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۶

DOI: 10.22096/esp.2021.127205.1343

چکیده

بیکاری یکی از معضلات اصلی اقتصاد ایران طی دهه‌های گذشته محسوب می‌شود و ایجاد اشتغال یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران طی این سال‌ها بوده است. هدف اصلی این مقاله ارزیابی سیاست‌های اشتغال در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۵۵ است. در این دوره دولت در قالب برنامه‌های توسعه به اجرای پروژه‌های اشتغال‌زا، اعطای اعتبارات ارزان‌قیمت، معافیت‌های مالیاتی و بیمه‌ای و تشویق سرمایه‌گذاری در مناطق دارای نرخ بیکاری بالا و جذب سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته است. در این مقاله تقاضای کار معادل ایجاد اشتغال در نظر گرفته شده است؛ لذا به برآورد تابع پویای تقاضای کار با استفاده از تکنیک ARDL پرداخته‌ایم. نتایج نشان داد که تولید ناخالص داخلی، شاخص فضای کسب‌وکار، مخارج دولت، مانده اعتبارات بانکی بخش غیردولتی، بهره‌وری نیروی کار، ذخیره سرمایه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه معناداری با اشتغال در دوره مورد بررسی دارد. ولی بین دستمزد واقعی و اشتغال رابطه معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: اشتغال، سیاست مالی، سیاست پولی، فضای کسب‌وکار.

طبقه‌بندی موضوعی: J32، E24، C32، K31.

Email: amin_i_minoo@yahoo.com

* استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور.

Email: msalipour@hotmail.com

** استادیار پژوهشکده آمار ایران.

Email: a.mahmoodzadeh@iau-neyshabur.ac.ir

*** دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور. (نویسنده مسئول)



۱- مقدمه

سرمایه انسانی همواره محور توسعه کشورها بوده است و نیروی کار نه تنها به عنوان عامل رشد اقتصادی، بلکه عامل اساسی در توسعه و ایجاد ثروت ملل محسوب می‌شود. از این نظر بازار کار به عنوان یکی از بازارهای چهارگانه اقتصادی نقش مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها بر عهده دارد. بنابراین ایجاد مقررات تنظیمی و سیاست‌های مناسب در تنظیم روابط کار و تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار می‌تواند در ایجاد شغل و کاهش بیکاری و متعاقباً افزایش رشد اقتصادی و کاهش تورم نقش به‌سزایی داشته باشد. در ادبیات اقتصادی و محافل سیاستی، اشتغال حاصل کلیه فعل‌وانفعالات اقتصادی محسوب می‌گردد و از فضای حاکم بر اقتصاد تأثیر می‌گیرد. به عبارت دیگر ایجاد اشتغال در کشور متأثر از سایر متغیرها نظیر سرمایه‌گذاری، صادرات، بهره‌وری نیروی کار، سیاست‌های ناظر بر تنظیم دستمزدها و رابطه بین عرضه و تقاضا در بازار کار و همچنین عوامل نهادی که در این مقاله در قالب شاخص فضای کسب‌وکار معرفی شده است، می‌باشد. رشد قابل ملاحظه جمعیت کشور در دهه‌های گذشته، حجم قابل توجه جمعیت جوان که در سنین فعالیت قرار گرفته‌اند و وضعیت نامتناسب ایجاد اشتغال در بخش‌های اقتصادی باعث گردیده اشتغال متناسب با عرضه نیروی کار صورت نگیرد. مسئله بیکاری در کشور بسیار پیچیده بوده و نیازمند یک مجموعه سیاست‌های متنوعی است که از سیاست‌های توصیه‌شده در زمینه افزایش حجم سرمایه‌گذاری و تقاضای کل پیچیده‌تر است. در این مقاله با تبیین، تحلیل و ارزیابی سیاست‌های اتخاذشده به منظور ایجاد اشتغال طی سال‌های گذشته درصدد ارزیابی میزان موفقیت سیاست‌های اشتغال در ایران هستیم. در این رابطه تلاش نمودیم به سؤالات ذیل پاسخ دهیم: سیاست مالی از مسیر مخارج دولت چگونه بر ایجاد اشتغال مؤثر بوده است؟ سیاست مالی از مسیر مالیات‌ها چگونه در اشتغال تأثیر گذاشته است؟ سیاست‌گذاری‌های انجام‌شده در حوزه جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی چگونه در ایجاد اشتغال مؤثر بوده است؟ سیاست پولی از مسیر اعتبارات بانکی چگونه در ایجاد اشتغال مؤثر بوده است؟ انعطاف‌پذیری بازار کار چگونه در ایجاد اشتغال مؤثر بوده است؟ بهبود فضای کسب‌وکار چگونه بر اشتغال تأثیر گذاشته است؟

۲- مبانی نظری

کلاسیک‌ها عقیده داشتند که عدم تعادل در اقتصاد در درازمدت از بین می‌رود و اگر بیکاری وجود داشته باشد بیکاری فصلی و مقطعی است. طرفداران مکتب کلاسیک اولیه مطرح می‌کنند که نبود تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار در بازار کار به دلیل وجود اطلاعات کامل، شفاف و همچنین، انعطاف‌پذیری قیمت‌ها و دستمزدها موقتی است. عرضه کار تابعی از قدرت خرید و دستمزد واقعی است و تقاضای نیروی کار نیز تابعی از دستمزدهای واقعی است. (دباغ، ۱۳۸۴: ۱۴۹)

نئوکلاسیک‌ها عقیده دارند که اطلاعات بازار کار کامل نیستند و برای دستیابی به اطلاعات لازم است که افراد جست‌وجو کنند. جست‌وجو فعالیتی اقتصادی است و مانند دیگر فعالیت‌های تولیدی، فعالیتی بهره‌ور محسوب می‌شود. بهره‌وری جست‌وجو به فرصت‌های موجود بستگی دارد. نئوکلاسیک‌ها بر این نظرند که با اصلاح رفتار جست‌وجوی شغل، بازار کار خودبه‌خود متعادل می‌شود. بهبود خدمات اطلاعاتی، افزایش هزینه‌های جست‌وجوی شغل یا کاهش منافع آن از طریق حذف مقرری‌های بیکاری از جمله اقدامات مورد حمایت نئوکلاسیک‌ها است. آن‌ها با استفاده از اصول اقتصاد خرد به تبیین مسائل بازار کار می‌پردازند. (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۸۴)

کینزین‌ها معتقدند بازار کار با وجود انحصارات بازار کاملی نیست. بنابراین تعدیل خود به خودی در آن صورت نمی‌گیرد. بنابراین تعدیل‌هایی از جانب دولت در کل مخارج دولتی لازم است که سطح قابل قبولی از اشتغال حفظ شود. آن‌ها افزایش تقاضای مؤثر یا تقاضای کل را برای افزایش اشتغال لازم می‌دانند. کاهش مالیات‌ها، افزایش عرضه پول، افزایش خرید کالاها و خدمات توسط دولت و حتی استخدام مستقیم بیکاران توسط دولت از جمله اقدامات مورد حمایت کینزین‌ها است. آن‌ها که بر اساس اصول اقتصاد کلان به تبیین مسائل بازار کار می‌پردازند، بر سیاست‌های مالی بیش از سیاست‌های پولی تأکید می‌کنند. (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۸۵)

نئوکینزین‌ها مطرح می‌کنند که بیکاری غیرارادی و طبیعی به دلیل وجود چسبندگی در کاهش قیمت‌ها و دستمزدها وجود دارد. دولت‌ها با اجرای سیاست‌های پولی و مالی انبساطی در اقتصاد می‌توانند میزان بیکاری را به حدی کمتر از نرخ بیکاری طبیعی کاهش دهند و اقداماتی همچون محدود کردن قدرت اتحادیه‌ها و تصحیح در اطلاعات بازار کار در این زمینه تأثیرگذار است. (دباغ، ۱۳۸۴: ۱۸۵) کینزی‌های جدید در جهت دفاع از نظریه چسبندگی دستمزد

پولی که از سوی اقتصاددانان کینزی مطرح شده بود، استدلال می‌کنند که برخی مراحل تنظیم دستمزد و قیمت با عنایت به نظریه‌های هزینه فهرست، دستمزد کارا و داخلی - خارجی به چسبندگی واقعی می‌انجامد. (نوبخت، ۱۳۸۷: ۶۹-۶۷)

بر اساس نظر پول‌گرایان، دولت‌ها تنها با تحریک دائمی اقتصاد از طریق سرعت‌بخشیدن به تورم، می‌توانند اقتصاد را به نرخ بیکاری کم‌تر از نرخ بیکاری طبیعی هدایت کنند. عملیات مورد حمایت پول‌گرایان ایجاد تحرک شغلی و جغرافیایی، کاهش عملیات محدودکننده اتحادیه‌ها، اصلاح اطلاعات مربوط به مشاغل و ایجاد اختلاف مناسب دستمزد در بازارهای کار داخلی (در میان شاغلان یک صنعت) و در بین شاغلان و غیرشاغلان است. (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۸۵)

اقتصاددانان نهادگرای جدید، نهادها را به عنوان یک قید و محدودیت مهم به نگرش نئوکلاسیک اضافه کرده‌اند (متوسلی، ۱۳۸۴: ۱۳۹۰) و تأثیر متغیرهای نهادی در مطالعات تجربی سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، کارایی و بهره‌وری بنگاه‌ها را بررسی می‌کنند. لذا نقش و عملکرد نهادها از کانال تقویت یا تضعیف محیط کسب و کار در سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها بسیار بااهمیت است و بنابراین در کنار سایر عوامل مطرح‌شده در نظریات سنتی اقتصاد، تأثیر محیط کسب و کار بر سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال بررسی می‌شود. بحث پیرامون اثر نهادها بر اشتغال و بازار کار را می‌توان در دو سطح مختلف انجام داد: در سطح نخست می‌توان بر قوانین و سیاست‌های مرتبط با این حوزه متمرکز شد و به عنوان مثال به بحث درباره روابط کار یا سیاست‌های اشتغال پرداخت. این سطح از تحلیل مدت‌هاست که در زمینه تحلیل مسائل مختلف کار و اشتغال مورد توجه قرار گرفته است. اما گروهی دیگر از اندیشمندان برای تبیین مسائل مختلف به سطح دیگری از تحلیل اشاره می‌کنند و بر کل ساختار نهادی متمرکز می‌شوند. به اعتقاد آن‌ها برای حل مشکلات مختلف جامعه از فساد و نابرابری تا اشتغال و رشد اقتصادی باید کل ساختار نهادی اصلاح شود. (نیکو نسبیتی و اشرفی، ۱۳۹۷: ۱۶)

۳- پیشینه تحقیق

نظری و گوهریان (۱۳۸۱)، در مقاله‌ای به بررسی رابطه متغیرهای اقتصادی و اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی کشور طی سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۷۸ پرداخته‌اند. محققان در این پژوهش اثر متغیرهای پولی شامل حجم نقدینگی، مطالبات سیستم بانکی از بخش دولتی و

غیردولتی بر اشتغال را با استفاده از روش همجمعی مورد ارزیابی قرار داده‌اند. بر اساس نتایج پژوهش مورد نظر تغییر عرضه پول از طریق تغییر حجم نقدینگی و پرداختی به بخش غیردولتی با تغییر اشتغال در بخش‌های تولیدی، رابطه مستقیم دارد. به عبارت دیگر افزایش اعتبارات پرداختی به بخش غیردولتی باعث افزایش اشتغال در بخش‌های تولیدی می‌گردد، ولی اعتبارات پرداختی به بخش دولتی بر اشتغال کل و اشتغال بخش کشاورزی و صنعتی تأثیر منفی و بر اشتغال بخش خدمات تأثیر مثبت دارد.

مهدوی و عزیز محمدلو (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای به بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال در کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. محققان یک مدل تجربی مناسب برای این پژوهش ارائه کردند و با استفاده از اطلاعات چند کشور منتخب در حال توسعه طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ با استفاده از روش داده‌های ترکیبی به تخمین مدل پرداختند. براساس نتایج تخمین صورت‌گرفته سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال کشورهای میزبان تأثیر مثبت و معناداری دارد. البته نتایج این تحقیق مشخص کرد که تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عواملی مانند میزان توسعه‌یافتگی کشور، توانایی استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی جدید و همچنین سهم منابع خارجی در تأمین نیازهای مالی کشور بستگی دارد.

جعفری صمیمی و آذرمنند (۱۳۸۴)، در تحقیقی به بررسی اثر متغیرهای نهادی، بر رشد اقتصادی کشورهای جهان پرداخته‌اند. در طی این بررسی نقش نهادهای اقتصادی، سیاسی و حقوقی بر انگیزه‌ها و محدودیت‌های فعالیت‌های اقتصادی تبیین گردید و بخش قابل توجهی از تفاوت در نرخ‌های سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بین کشورها توضیح داده شد. از جمله ثابت گردید آزادی اقتصادی و شاخص مؤسسه فریزر به عنوان یک متغیر نهادی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

کمپجانی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله «آزمون خنثایی و ابرخنثایی پول در بلندمدت: مطالعه موردی ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۸۸-۱۳۵۲» با استفاده از روش فیشر - سیاتر (FS)، ابرخنثایی و خنثایی بلندمدت پول را مورد آزمون قرار می‌دهند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که خنثایی در ایران به تعریف پول بستگی ندارد؛ به طوری که هم حجم پول (M1) و هم حجم نقدینگی (M2) هر دو خنثی می‌باشند. بنابراین سیاست پولی انبساطی در بلندمدت قادر نیست افزایش تولید و رونق اقتصادی و اشتغال را در پی بیاورد.

رضا قلی‌زاده (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای اثرات سیاست مالی دولت (از مسیر تغییر در مالیات‌ها) را بر اشتغال با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری و آزمون هم‌انباشتگی با استفاده از اطلاعات سری زمانی ۱۳۵۰-۱۳۹۱ مورد ارزیابی قرار داد. وی با ارزیابی روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت میان متغیرها نشان داد که رابطه تعادلی بلندمدت بین افزایش مالیات‌ها و اشتغال وجود دارد و طی دوره مورد بررسی، افزایش مالیات‌ها باعث کاهش اشتغال می‌شود.

شریف آزاده و همکاران (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای تأثیر متغیرهای نئوکلاسیکی و نهادی (شاخص‌های حکمرانی خوب) بر نرخ اشتغال کشورهای توسعه یافته عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) را با استفاده از روش داده‌های تابلویی طی دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۱ بررسی کردند. در این تحقیق تأثیر متغیرهای نئوکلاسیکی و حکمرانی خوب بر اشتغال در قالب هفت معادله (معادله اول شامل متغیرهای نئوکلاسیکی و شش معادله دیگر شامل متغیرهای نهادی و حکمرانی خوب) برآورد گردید. نتایج به دست آمده از تأثیر مثبت و معنادار متغیرهای نئوکلاسیکی و متغیرهای نهادی بر اشتغال حکایت دارد.

سهیلی و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی به بررسی رابطه سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی با اشتغال در ۳۰ استان کشور طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۴ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته و در سه مدل؛ اشتغال بخش خصوصی، اشتغال دولتی و کل اشتغال پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق رابطه مثبت سرمایه‌گذاری خصوصی و اشتغال را تأیید می‌کند، ولی سرمایه‌گذاری دولتی با اشتغال رابطه منفی و معناداری دارد. در بررسی تأثیر هم‌زمان سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی بر اشتغال نیز اثر مثبت سرمایه‌گذاری خصوصی بر اشتغال و اثر منفی سرمایه‌گذاری عمومی بر اشتغال مورد تأیید قرار گرفت.

مهرآرا (۱۳۹۷)، در مطالعه‌ای به بررسی سهم عوامل اقتصادی در نوسان‌های دستمزد، بهره‌وری و بیکاری با استفاده از تجزیه واریانس و توابع واکنش آنی پرداخت. نتایج پژوهش دلالت بر آن دارد که استفاده مؤثر از بخش غیر رسمی برای ایجاد اشتغال و درآمد و توجه بیشتر به بهره‌وری در بخش رسمی برای دستیابی به اهداف کاهش نرخ بیکاری و افزایش قدرت رقابت‌پذیری بخش رسمی ضروری است.

بروسنس (Brosens, 2007)، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر مخارج و بدهی‌های دولت بر اشتغال، مصرف خصوصی و پس انداز در کشورهای عضو گروه OECD پرداختند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده شوک‌های مالی مثبت باعث افزایش اشتغال و شوک‌های مالی منفی باعث کاهش اشتغال در این کشورها شده است.

میزاکی (Miyazaki, 2010)، در تحقیقی به بررسی تأثیر سیاست‌های مالی اتخاذشده در کشور ژاپن بر متغیرهای اقتصادی نظیر بیکاری، مصرف، سرمایه‌گذاری و تورم با استفاده از تکنیک خودرگرسیون برداری پرداخته است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه تأثیرات منفی اعمال سیاست‌های مالی بر متغیرهای اقتصاد کلان در دهه ۹۰ در این کشور وسیع‌تر و پایدارتر از تأثیرات مثبت آن بود. از جمله کاهش مالیات‌ها در ژاپن در اواسط دهه ۹۰ بیکاری را افزایش داده است.

سارای (Saray, 2011)، در تحقیقی به مطالعه رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اشتغال در کشور ترکیه برای دوره ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که در دوره مورد مطالعه، سرمایه‌گذاری خارجی بر میزان اشتغال و تقاضای نیروی کار در کشور ترکیه تأثیری نداشته است.

موریسی (Morrissey, 2012)، در تحقیقی با استفاده از داده‌های سالیانه برای ۴۶ کشور در حال توسعه در طول دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۹ به بررسی میزان جایگزینی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با سرمایه‌گذاری خصوصی و تأثیر شرایط متفاوت حکمرانی بر این جایگزینی، می‌پردازد. نتایج نشان داد که سرمایه‌گذاری به‌طور کلی در کشورهای با حکمرانی خوب بیشتر است. همچنین تراکم جابه‌جایی (جابه‌جایی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی) و میزان گسترش این جابه‌جایی به نوع حکمرانی مربوط می‌شود.

گالگاتی و همکاران (Gallegati et al, 2015)، با استفاده از تحلیل موجک و داده‌های تابلویی به بررسی رابطه بین بهره‌وری نیروی کار و بیکاری در کشورهای G7 طی سال‌های ۱۹۶۲ تا ۲۰۱۲ پرداخته‌اند. نتایج مطالعه دلالت بر آن دارد که رشد بهره‌وری، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت باعث بیکاری می‌گردد، اما در بلندمدت اشتغال را به دنبال دارد.

جودی و لوآنا (Jude & Loana Fun Rally, 2016)، در تحقیقی به بررسی اثرات اشتغال‌زای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یک عامل تعیین‌کننده اشتغال دولتی با استفاده از یک

مدل تقاضای نیروی کار پویا برای یک پنل از ۲۰ کشور اروپای شرقی و مرکزی طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۲ می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد که FDI منجر به یک پدیده تخریب خلاق می‌شود. معرفی تکنیک‌های صرفه‌جویی کار منجر به اثر اولیه منفی بر اشتغال می‌شود، در حالی که ادغام عمودی مترقی وابسته خارجی به اقتصاد محلی سرانجام به سوی یک اثر بلندمدت مثبت همگرا می‌شود.

۴- تصریح مدل تحقیق

در شرایط اقتصاد ایران با توجه به رشد جمعیت و افزایش عرضه نیروی کار، محدودیتی در سمت عرضه نیروی کار وجود نداشته و لذا میزان اشتغال با تقاضای نیروی کار برابر است. همچنین بر اساس نتایج تحقیقی که توسط ابونوری و همکاران (۱۳۹۶) صورت گرفت، افزایش انباشت سرمایه و افزایش استفاده از سرمایه‌های موجود (متغیرهای بازار کالا) می‌تواند باعث کاهش معنادار در بیکاری گردد، یعنی طبق نظریه پساکینزین‌ها، بیکاری در ایران تقاضامحور است. در پژوهش حاضر از یک مدل پویا برای برآورد تقاضای کار استفاده می‌شود. با توجه به تفاوت سطح اشتغال واقعی از سطح اشتغال مطلوب تقاضا برای نیروی کار به صورت زیر بیان می‌شود.

$$\text{Ln}N_t^* = \text{Ln}f(X_t) + U_t \quad \text{رابطه ۱}$$

که در آن N_t^* سطح بهینه اشتغال است. X_t شامل مجموعه متغیرهای مستقل مؤثر بر تقاضای کار است و U_t جمله‌اخلال است. از آنجا که N_t^* قابل سنجش یا مشاهده مستقیم نیست، برای برآوردهای اقتصادسنجی و تبدیل آن به مقادیر قابل سنجش، از رابطه نرلاو یا فرایند تعدیل جزئی بهره‌برداری می‌شود. در طی فرایند تعدیل جزئی، دو نوع هزینه وجود دارد که این هزینه‌ها عبارت‌اند از:

الف) هزینه عدم تعادل: زمانی که اشتغال بنگاه از میزان اشتغال بهینه فاصله داشته باشد (کمتر یا بیشتر باشد) هزینه‌هایی به بنگاه تحمیل می‌گردد که به عنوان هزینه عدم تعادل شناسایی می‌شود. بدیهی است هر چه نیروی شاغل در بنگاه از سطح مطلوب فاصله داشته باشد این هزینه‌ها بیشتر می‌گردد. برای کاهش این هزینه‌ها بنگاه باید اشتغال خود را به سطح بهینه نزدیک نماید. ولی کاهش اختلاف سطح اشتغال موجود و

بهینه (مطلوب) و حرکت به سطح اشتغال مطلوب مستلزم پرداخت هزینه‌هایی از سمت بنگاه است که باعث می‌شود بنگاه در کوتاه‌مدت امکان حرکت به سمت اشتغال بهینه را نداشته باشد.

ب) هزینه‌های تعدیل: هزینه‌هایی که بنگاه برای تعدیل میزان نیروی کار به کار گرفته شده به منظور رسیدن به سطح اشتغال مطلوب بایستی پرداخت نماید، هزینه تعدیل تلقی می‌گردد. از جمله این هزینه‌ها، هزینه استخدام نیروی کار (شامل هزینه‌های جست‌وجو، مصاحبه و انتخاب، کارآموزی اولیه) که با توجه به سطح مهارت نیروی مورد نیاز متفاوت است و همچنین هزینه‌های اخراج نیروی کار که شامل مقررات کار، اتحادیه‌های کارگری و هزینه‌های اجتماعی و سیاسی اخراج نیروی کار می‌باشد.

پرواضح است بنگاه درصدد به حداقل رساندن مجموع هزینه‌های تعدیل و عدم تعادل است. تابع هزینه کل (TC) یک دوره‌ای به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$TC = \alpha_1 (\text{Ln}N_t^* - \text{Ln}N_t)^2 + \alpha_2 (\text{Ln}N_t - \text{Ln}N_{t-1})^2 \quad \text{رابطه ۲}$$

تابع هزینه کل را نسبت به عامل کار حداقل نموده و با انجام یک سری عملیات ریاضی و مرتب سازی جملات رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\text{Ln}N_t - \text{Ln}N_{t-1} = \lambda (\text{Ln}N_t^* - \text{Ln}N_{t-1}) \quad \text{رابطه ۳}$$

که در آن $\lambda = \frac{a_1}{a_1 + a_2}$ ضریب تعدیل نامیده می‌شود. ضریب تعدیل بیانگر آن است چند درصد فاصله بین سطح واقعی و بهینه اشتغال در هر سال پرمی شود. سرعت تعدیل نیروی کار که برابر $\frac{1}{\lambda}$ است، بیانگر آن است که پس از چند سال شکاف بین سطح بهینه و واقعی اشتغال پر می‌شود. برای مثال، اگر $\lambda = 0.5$ باشد بدین معناست که هر سال ۵۰ درصد شکاف بین سطح بهینه و واقعی اشتغال پر می‌شود و حدود دوسال طول می‌کشد تا این فاصله از بین برود. اگر از رابطه ۳ مقدار بهینه اشتغال را بر حسب مقادیر جاری و با وقفه اشتغال واقعی به دست آورده و در رابطه یک قرار دهیم، می‌توان معادله قابل برآورد تابع تقاضای نیروی کار که با استفاده از ساز و کار تعدیل جزئی به دست می‌آید، به صورت رابطه زیر به دست آورد:

$$\text{Ln}(L_t^d) = (1 - \lambda)\text{Ln}(L_{t-1}^d) + \lambda[\text{Ln}(X_t)] + U_t \quad \text{رابطه ۴}$$

که در رابطه فوق I_t^d متغیر وابسته تقاضای نیروی کار و X_t بردار عوامل مؤثر بر اشتغال مانند میزان تولید، هزینه استفاده از کار و... است و به λ ضریب تعدیل و به U_t جمله اخلاص گفته می‌شود.

در روشی دیگر تقاضای نیروی کار از طریق حداکثر نمودن تابع سود بنگاه به دست می‌آید. در این روش تقاضای نیروی کار معادل سطح اشتغال در نظر گرفته می‌شود. بدیهی است بین تقاضای مطلوب و تقاضای موجود نیروی کار با توجه به هزینه‌های تعدیل تفاوت وجود خواهد داشت. لذا ضروری است بین این دو نوع تقاضای نیروی کار به نحوی رابطه برقرار گردد. بدین منظور از مکانیسم تعدیل جزئی استفاده می‌شود. تابع تقاضای نیروی کار در بلندمدت به صورت زیر بیان می‌شود:

$$N_t^d = f(X_t) + u_t \quad \text{رابطه ۵}$$

که در آن، N_t^d تقاضای بهینه برای نیروی کار و X_t بردار متغیرهای مستقل و u_t نیز مانند حالت قبل جمله اخلاص است. از آنجاکه متغیر N^d غیر قابل مشاهده است، با استفاده از مکانیسم تعدیل جزئی آن را به مقادیر واقعی و قابل اندازه‌گیری تبدیل می‌کنیم. در این روش، تابع درآمد خالص واقعی به صورت $R = R(N_t, D_t, \frac{P_m}{P_t}, K_t)$ شناسایی می‌شود که در این رابطه N_t اشتغال، K_t ذخیره سرمایه، P_m قیمت مواد اولیه، P_t قیمت محصول و D_t نشان‌دهنده متغیرهای انتقال دهنده تقاضاست. البته در این الگو، فرض شرایط رقابت ناقص اعمال شده و بنا براین، قیمت از هزینه نهایی متفاوت است. حال بنگاه N_t را به نحوی انتخاب می‌نماید که سودش حداکثر شود:

$$N_t - N_{t-1} = \lambda(N_t^d - N_{t-1}) \quad \text{رابطه ۶}$$

$$\pi = \sum_{t=1}^{\infty} P_t \left\{ R \left(N_t, D_t \left(\frac{P_m}{P_t} \right) \right) \right\} - W_t N_t - C_t W_t [N_t - N_{t-1} (1 - q_t)]^2 \quad \text{رابطه ۷}$$

که در آن، W_t نرخ دستمزد واقعی، P_m/P_t نسبت قیمت مواد به محصول، C_t هزینه‌های تعدیل نسبت به دستمزد و q_t نرخ رها کردن، شغل است که با حل مساله یاد شده برای q_t و C_t معین و ثابت خواهیم داشت:

$$N_t = \lambda N_{t-1} (1 - \lambda) (1 - a\lambda) \sum_{i=0}^{\infty} (a\lambda)^i N_{t+i}^* \quad \text{رابطه ۸}$$

که در آن a یک پارامتر بوده، به گونه ای که $1 - a$ برابر نرخ بهره واقعی است. N_{t+i}^* نشان‌دهنده سطح اشتغال مورد انتظار در دوره $t+i$ و λ ضریب تعدیل بوده که تابعی از C_t, q_t برای آینده داده شده، فرض می‌شود. البته در هیچ روشی C_t, q_t نمی‌تواند پیش‌بینی شود. در شروع دوره بعد C_t, q_t تغییر خواهد کرد و یک طرح بهینه جدید، شکل خواهد گرفت که در نتیجه، ارزش متفاوتی برای λ به دست می‌آید. پس λ درون یک طرح ثابت است، اما بین طرح‌ها تغییر خواهد کرد. از آنجا که مقدار مناسب نرخ بهره در بلندمدت ثابت خواهد بود، λ به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\lambda = \lambda(C_t, q_t), \quad \frac{\partial \lambda}{\partial C} > 0, \quad \frac{\partial \lambda}{\partial q} > 0$$

در اینجا شکل مدل به صورت لگاریتمی در نظر گرفته شده است. انتظار می‌رود برای متغیرهای الگو، بیش از یک وقفه وجود داشته باشد. فرض کنید $i = 1, 2, \dots, I$ با هزینه‌های بهینه یابی متفاوت وجود دارد و از این رو، در الگو λ_i وجود خواهد داشت، اما تعادل بلندمدت همان N^* است. که در شرایط اشتغال کل به وسیله معادله زیر مشخص می‌شود:

$$\left[\prod_{i=1}^I (1 - \lambda_i L) N_t = \sum_{i=1}^I (1 - \lambda_i) (1 - a \lambda_i) \sum_{j=0}^{\infty} (a \lambda_j)^j (1 - \lambda_j L) N_{t+j}^* \right] \quad \text{رابطه ۹}$$

که در آن L عملگر وقفه است. جمعی سازی انواع متفاوت نیروی کار، با هزینه استخدام و اخراج متفاوت، اثرات یکسانی خواهد داشت. انتظار می‌رود فرم معادله ۹ با چندین وقفه روی متغیر وابسته ساختار پیچیده تری نسبت به معادله ۷ داشته باشد. حال اگر از معادله ۵، N_t^d را در معادله ۹ جایگزین کنیم، خواهیم داشت:

$$N_t = \sum_{j=1}^j \gamma_j(C_t, q_t) N_{t-j} + \sum_{j=0, k=1}^j B_{kj}(C_t, q_t) X_{kt-j} + \varepsilon \quad \text{رابطه ۱۰}$$

که در این الگو X_t بردار متغیر مستقل است. این الگو بایک تغییر در پارامترها می‌تواند به صورت زیر ارائه شود:

$$\Delta N_t = \theta_0 N_{t-1} + \sum_{j=1}^j \theta_j \Delta N_{t-j} + \sum_{k=1}^j (\emptyset K_0 X K_{t-1} + \sum \emptyset K_{j+1} \Delta X K_{T-j}) \quad \text{رابطه ۱۱}$$

$$\Delta N_t = \theta_0 (N_{t-1} + \sum_{k=1}^k \Pi_k X K_{t-1}) + \sum_{j=1}^j \theta_j \Delta N_{t-j} + \sum_{k=1}^k \sum_{j=1}^j \emptyset K_{j+1} \Delta X K_{t-j}$$

که در آن $\Delta = (1 - L)$ و $\Pi_K = \phi_{K_0} / \theta_0$ و $\theta_0 < 0$ است. براساس مدل نظری، بردار متغیرهای وابسته و مستقل در رابطه رگرسیونی به صورت معادله ۱۱ در نظر گرفته شده است، به نحوی که اشتغال در یک دوره تابعی از مقادیر با وقفه خود و نیز تابعی از بردار متغیرهای مستقل است. در این تحقیق به منظور بررسی اثر سیاست‌های دولت بر ایجاد اشتغال با مطالعه برنامه‌های توسعه، قوانین بودجه و سایر اسناد موجود عمده سیاست‌های اتخاذ شده جهت اشتغال در قالب این برنامه‌ها شناسایی و تبیین گردید. بر اساس بررسی صورت گرفته در برنامه‌های توسعه برخی سیاستها به صورت مستقیم بازار کار را هدف گرفته‌اند مانند حمایت از بنگاه‌های کوچک در برنامه اول، حمایت از واحدهای اشتغال‌زا در مناطق واجد نرخ بیکاری بالا در برنامه دوم، تخفیفات مالیاتی و بیمه‌ای برای بنگاه‌های اشتغال‌زا در برنامه سوم، پرداخت تسهیلات بانکی از محل ۳ درصد ذخایر قانونی بانک‌ها در برنامه‌های سوم و چهارم، پرداخت وام‌های خود اشتغالی در برنامه اول و دوم، طرح ضربتی اشتغال در برنامه سوم و بنگاه‌های زود بازده در برنامه چهارم، حمایت از بنگاه‌های کوچک و مشاغل خانگی در برنامه پنجم، محدودیت به کارگیری نیروی کار خارجی که در برنامه‌های اول، دوم و سوم مورد تأکید قرار گرفته است، همچنین اصلاح قوانینی که باعث انقباض بازار کار می‌شود که در برنامه‌های اول تا پنجم تکرار شده است. برخی دیگر به صورت غیر مستقیم بر تقاضای کار موثراند. مانند ممنوعیت واردات کالاهای خارجی که تولید داخل دارد در برنامه اول، تنظیم سیاست‌های پولی و مالی در جهت استفاده از ذخایر سرمایه‌ای بخش خصوصی در امور تولیدی در برنامه اول، فراهم نمودن تسهیلاتی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تشکیل حساب ذخیره ارزی با اولویت اعطای تسهیلات به بخش خصوصی در برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم، اصلاح نظام اداری در برنامه سوم، تأکید بر گسترش فضای رقابتی و پیش‌بینی سیاست‌هایی برای بهبود فضای کسب و کار که در برنامه‌های چهارم و پنجم بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. برای بررسی سؤالات تحقیق پس از بررسی مدل‌های مختلف، مدل پویای تقاضای کار، انتخاب و متغیرهای آن با توجه به موضوع مورد بررسی تعدیل و تکمیل گردید.

$$EMP_t = f(EMP_t(-1), EG_t, RW_t, GE_t, SC_t, CIT_t, NGBF_t, FDI_t, DB_t, LP_t) \quad \text{رابطه ۱۲}$$

به صورتی که اشتغال در یک دوره تابعی از مقادیر باوقفه خود و مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل است. در رابطه یادشده EMP_t اشتغال در دوره t ، EMP_{t-1} مقادیر باوقفه اشتغال، EG نرخ رشد اقتصادی RW دستمزد واقعی، GE_t مخارج دولت SC ذخیره سرمایه، $NGBF$ مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش غیردولتی، CIT مالیات بر درآمد شرکت‌ها، FDI_t سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، LP_t بهره‌وری نیروی کار، DB_t شاخص فضای کسب‌وکار.

۴-۱ متغیرهای تحقیق و روش تجزیه و تحلیل

اشتغال و مقدار باوقفه آن: بر اساس برخی تحقیقات صورت‌گرفته از جمله تحقیق سی برت (Siebert W.S, 2005)، ازوجی و عسگری (۱۳۸۴)، فرهادی‌کیا و امینی (۱۳۹۵) چسبندگی دستمزدها و انعطاف‌ناپذیری به دلیل بالا بردن هزینه تعدیل یکی از دلایل بیکاری نیروی کار محسوب می‌شود. لذا مقدار باوقفه اشتغال به عنوان شاخص انعطاف‌پذیری بازار کار وارد مدل می‌گردد. انتظار می‌رود هرچه قدر انعطاف‌پذیری بازار کار بیشتر باشد، فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد شود. برای محاسبه جمعیت شاغل از داده‌های مرکز آمار استفاده گردید. برای برخی سال‌های دهه ۵۰ که اطلاعات مورد نظر در دسترس نبود با روش میانگین‌گیری اطلاعات محاسبه گردید.

رشد اقتصادی: افزایش رشد اقتصادی باعث افزایش اشتغال می‌شود. رشد اقتصادی عبارت از افزایش تولید ناخالص داخلی واقعی در هر سال نسبت به سال قبل است. مقدار تولید ناخالص داخلی از محل بانک اطلاعات سری‌های زمانی بانک مرکزی استخراج گردیده است. مقدار لگاریتمی تولید ناخالص داخلی به عنوان معیار رشد اقتصادی مورد استناد قرار می‌گیرد.

دستمزد واقعی: در اکثر پژوهش‌های صورت‌گرفته دستمزد واقعی به عنوان یکی از متغیرهای مؤثر بر اشتغال مورد توجه قرار گرفته است. انتظار می‌رود با افزایش دستمزد واقعی اشتغال کاهش یابد. برای محاسبه دستمزد واقعی حداقل دستمزد روزانه طبق مصوبه قانونی از بانک اطلاعات، مرکز اطلاعات راهبردی بازار کار استخراج گردید و پس از تبدیل به ماه با استفاده از شاخص قیمت‌ها تورم‌زدایی و دستمزد واقعی استخراج گردید.

مخارج دولت: در رابطه با تأثیر مخارج دولت بر اشتغال تحقیقات انجام شده نتایج متفاوتی به دست می‌دهد برخی تأثیر مثبت افزایش مخارج دولت بر اشتغال را مورد تأکید قرار می‌دهد مانند فاتر و میهو (Fatas & Miho, 1998)، قوام و مسعودی (۱۳۷۱)، شریفی (۱۳۹۰)، خیابانی و دلفان (۱۳۹۶) و برخی بر رابطه منفی مخارج دولت و اشتغال صحنه می‌گذارند. از جمله آبرامز (Abrams, 1999)، فلدمن (Feldman, 2006)، یوان و لی (Yuan & Lee, 2000)، زراءنژاد و حسین‌پور (۱۳۹۵)، اطلاعات مربوط به مخارج دولت از سایت آماری بانک مرکزی استخراج شده است.

ذخیره سرمایه: ذخیره سرمایه به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی و افزایش ظرفیت‌های تولیدی در تئوری‌های اقتصادی معرفی می‌شود. برای محاسبه ذخیره سرمایه از داده‌های موجود در سایت آماری بانک مرکزی استفاده شده است.

مانده اعتبارات بانکی به بخش غیردولتی: اعطای اعتبار به عنوان یکی از روش‌های کمک به ایجاد فرصت‌های شغلی در دوره‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. که البته به دلیل عوامل نهادی بخش عمده اعتبارات جذب فعالیت‌های دلالی با اشتغال‌زایی ناچیز شده است. اطلاعات مربوط به مانده اعتبارات سیستم بانکی به بخش خصوصی از اطلاعات سری‌های زمانی بانک مرکزی به دست آمده است.

مالیات بر درآمد شرکت‌ها: مالیات بر درآمد شرکت‌ها از طریق تأثیر بر حاشیه سود شرکت‌ها بر اشتغال اثر می‌گذارد انتظار می‌رود با افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها تقاضا برای نیروی کار کاهش یابد. مالیات بر درآمد شرکت‌ها از بخش درآمدهای بودجه دولت در پایگاه اطلاعات سری‌های زمانی بانک مرکزی استخراج شده است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: بر اساس تئوری‌های تجارت جریان ورود سرمایه‌گذاری خارجی از طریق بهبود تخصیص منابع بر اشتغال اثر مثبت می‌گذارد^۱. همچنین شرکت‌های خارجی فعال در کشور مستقیماً به ایجاد اشتغال می‌پردازند. برای استخراج آمار سرمایه‌گذاری خارجی از اطلاعات موجود در پایگاه اطلاعات، بانک جهانی استفاده شده است. از آنجاکه این

۱. نک: عزیز محمدلو و مهدوی، ۱۳۸۳: ۱۵ / ۷۴-۱۳۷۱.

سرمایه‌گذاری‌ها توسط شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی انجام شده که مورد حمایت ارزی دولت بوده‌اند، این اطلاعات با نرخ رسمی دلار به ریال تبدیل گردیده است.

بهره‌وری نیروی کار: بهره‌وری نیروی کار (LP) میزان تولید هر واحد نیروی کار را اندازه‌گیری می‌نماید. برای اندازه‌گیری شاخص بهره‌وری نیروی کار، ارزش افزوده (ارزش ستانده) به عنوان ستانده و تعداد شاغلان (ساعت کار شاغلان) به عنوان نهاده در نظر گرفته شده است. در رابطه با تأثیر بهره‌وری بر اشتغال در نظریه‌های اقتصاد کلان اختلاف نظر وجود دارد. آل‌عمران^۱ رابطه منفی بین بهره‌وری و اشتغال را تأیید می‌کند. رحمانی^۲ (۱۳۹۲) یک رابطه علیت دوطرفه بین بهره‌وری و اشتغال در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۹-۱۳۸۹ را ثابت نمود. فیض پور (۱۳۹۵) در تحقیقی رابطه معکوس بهره‌وری و اشتغال را تأیید کرد. فلاحی و همکاران (۱۳۹۱) بر اساس نظریه ادوار تجاری، قائل به همبستگی مثبت و قوی بین بهره‌وری عوامل تولید و اشتغال می‌باشد. پیساریدیس (Pissarides, 1990) در تحقیق خود به رابطه مثبت بهره‌وری نیروی کار و اشتغال می‌رسد. برای به‌دست‌آوردن شاخص بهره‌وری نیروی کار از گزارشات سازمان ملی بهره‌وری استفاده شده است.

شاخص فضای کسب‌وکار: بر اساس نظریه نهادگرایی که طی دهه‌های اخیر در ادبیات اقتصاد مورد استناد قرار می‌گیرد، ساختار نهادی و قدرت حاکم در جامعه است که بر تخصیص منابع اثر می‌گذارد. این مکتب ضمن پذیرش نقش بازار در تخصیص منابع، بازار را نوعی نهاد می‌داند که متشکل از نهادهای فرعی دیگر است. بر اساس یافته‌های این مکتب دولت‌ها هم به واسطه اعمال هزینه‌های اجتماعی بر تخصیص منابع مؤثرند و همچنین شاخص‌های حکمرانی خوب در قالب مباحث اقتصاد نهادگرایی بر نرخ اشتغال و رشد اقتصادی مؤثرند. نهادها از کانال تقویت یا تضعیف فضای کسب‌وکار بر سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال مؤثرند^۳. لذا در این مقاله شاخص‌های فضای کسب‌وکار را که طی دهه‌های اخیر در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است به عنوان متغیر مستقل وارد مدل شده است. برای به دست آوردن

۱. نک: آل‌عمران و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶/۴۷-۶۰.

۲. نک: رحمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۳/۶۷-۱۷۰.

۳. نک: شاه‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۶۷-۱۷۰.

شاخص فضای کسب‌وکار از شاخص بومی فضای کسب‌وکار که توسط عرب مازار تدوین شده، استفاده گردیده است.^۱ لازم به توضیح است این شاخص با سایر شاخص‌های موجود در رابطه با فضای کسب‌وکار مقایسه گردیده و از همسویی مناسبی برخوردار بوده است. برای برخی سال‌ها این شاخص توسط نگارنده بر اساس مدل مذکور محاسبه گردیده است.

استفاده از روش‌های سنتی و معمول اقتصادسنجی در تخمین ضرایب الگو با استفاده از داده‌های سری زمانی بر این فرض استوار است که متغیرهای الگو پایا (stationary) هستند. اگر متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در برآورد ضرایب الگو ناپایا (Non-stationary) باشند، درعین‌حالی که ممکن است هیچ رابطه مفهومی بین متغیرهای الگو وجود نداشته باشد، می‌تواند ضریب تعیین R^2 به‌دست‌آمده آن بسیار بالا باشد و سبب شود تا محقق، به استنباط‌های غلطی در مورد میزان ارتباط بین متغیرها کشانیده شود.

چنانچه متغیرهای سری زمانی که ناپایا هستند در برآورد ضرایب الگویی مورد استفاده قرار گیرند، ممکن است نتیجه به یک رگرسیون جعلی منجر شود، زیرا در متغیرهایی که دارای روند هستند این گرایش دیده می‌شود که حتی در مواردی که یک رابطه اقتصادی معنی‌داری بین آن‌ها وجود ندارد، همبستگی شدیدی را نشان دهند. روش سنتی برای اجتناب از رسیدن به یک ارتباط جعلی بین متغیرهای سری زمانی آن بوده است که یک متغیر روند زمانی T را در بین متغیرهای مستقل الگو وارد کنند.

اخیراً گروهی از اقتصادسنان روش سنتی فوق را زیر سؤال برده‌اند. بر اساس گفته آنان زمانی این روش می‌تواند صحیح و قابل قبول باشد که روند زمانی متغیرها از نوع روند قطعی باشد، نه تصادفی. (نوفرستی، ۱۳۹۰: ۷۴) وقتی متغیرهای سری زمانی روند، مانا نیستند اضافه کردن روند زمانی T در بین متغیرها یا کم کردن روند قطعی از متغیرها موجب مانائی این متغیرها نخواهد شد. در نتیجه به‌کارگیری روش‌های معمول اقتصادسنجی با استفاده از داده‌های آماری نامانا موجب خواهد شد تا آزمون‌های t و F از اعتبار لازم برخوردار نباشند و محقق به برداشت‌های غلطی در مورد شدت و میزان ارتباط بین متغیرها برسد.

۱. نک: عرب مازار، ۱۳۸۹: ۶۹-۷۰.

هرچند شرط مانایی متغیرهای سری زمانی یک رابطه رگرسیونی را می‌توان از طریق تفاضل‌گیری تأمین کرد ولی برای حفظ اطلاعات در رابطه با سطح متغیرها نمی‌توان کار خاصی انجام داد. با استفاده از روش همجمعی می‌توان رگرسیونی را بدون هراس از جعلی بودن بر اساس سطح متغیرهای سری زمانی تخمین زد.

مفهوم اقتصادی هم جمعی، آن است که وقتی دو یا چند متغیر سری زمانی بر اساس مبانی نظری با هم ارتباط داده می‌شوند تا یک رابطه تعادلی بلندمدت را تشکیل دهند هرچند امکان دارد خود این سری‌های زمانی روندی تصادفی داشته باشند (ناپایا باشند) اما در طی زمان یکدیگر را به خوبی دنبال می‌کنند به نحوی که تفاضل بین آن‌ها پایا می‌شود. بنابراین مفهوم همجمعی تداعی‌کننده وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت است که سیستم اقتصادی در طول زمان به سمت آن حرکت می‌کند.

۵- تخمین مدل و تحلیل نتایج آن

قبل از پرداختن به برآورد مدل، مانایی متغیرهای به کار رفته در مدل را مورد بررسی قرار می‌دهیم. به بیان دیگر می‌خواهیم اطمینان حاصل کنیم که در دوره مورد بررسی میانگین، واریانس و کواریانس متغیرهای به کار رفته در مدل مستقل از زمان می‌باشند. بدین منظور از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته استفاده شده است. نتایج آزمون مذکور برای تمامی متغیرها در جدول (۱) ارائه شده است مقدار حداکثر ضابطه‌های آکائیک (AIC)، شوارز - بیزین (SBC) و حنان - کوئین (HQC) تعداد وقفه‌های بهینه را مشخص می‌کند. سپس با مقایسه مقدار آماره محاسبه شده در مدل با کمیت بحرانی ارائه شده در ذیل جدول در مورد مانا یا نامانا بودن متغیر تصمیم‌گیری می‌شود. چنانچه قدر مطلق T محاسباتی از قدر مطلق T بحرانی ارائه شده بزرگ‌تر باشد فرضیه صفر رد می‌شود. یعنی سری زمانی مانا است به عبارت دیگر مانا بودن سری زمانی را نمی‌توان رد کرد. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون ریشه واحد، متغیرهای مخارج دولت، رشد اقتصادی، مانده تسهیلات اعتباری بخش خصوصی، مالیات بر درآمد شرکت‌ها و بهره‌وری نیروی کار در سطح مانا است. متغیرهای اشتغال، دستمزد واقعی، ذخیره سرمایه با دو بار تفاضل گیری و سرمایه‌گذاری خارجی و فضای کسب‌وکار با یک بار تفاضل گیری مانا می‌شود. با توجه به اینکه متغیرهای مختلف الگو با وقفه‌های مختلف مانا می‌شوند و با عنایت به مدل نظری تحقیق تخمین مدل با روش ARDL صورت می‌گیرد.

جدول ۱: نتایج آزمون ریشه واحد برای سطح و تفاضل متغیرهای الگو

نتیجه	وضعیت عرض از مبدأ و روند	وقفه و بهینه	آماره محاسباتی	مقدار بحرانی	نماد	متغیر
نا مانا	با عرض از مبدأ و روند	3	-3.0595	-3.5279	EMP	اشتغال
نا مانا	با عرض از مبدأ و روند	3	-2.8233	-3.5313	DEMP	اشتغال
مانا	با عرض از مبدأ و بدون روند	3	-3.8435	-2.9422	DDE MP	اشتغال
مانا	با عرض از مبدأ و روند	1	7.7832	-3.5279	GE	مخارج دولت
مانا	با عرض از مبدأ و بدون روند	3	-3.4185	-2.9378	EG	رشد اقتصادی
نا مانا	با عرض از مبدأ و روند	3	-.25221	-3.5279	RW	دستمزد واقعی
نا مانا	با عرض از مبدأ و روند	3	-0.98378	-3.5313	DRW	دستمزد واقعی
مانا	با عرض از مبدأ و روند	3	-4.5413	-3.5348	DDR W	دستمزد واقعی
نا مانا	با عرض از مبدأ و روند	3	-1.2934	-3.5348	SC	ذخیره سرمایه
نا مانا	با عرض از مبدأ و روند	3	-1.9050	-3.5386	DSC	ذخیره سرمایه
مانا	با عرض از مبدأ و بدون روند	3	-3.4467	-2.9472	DDSC	ذخیره سرمایه
مانا	با عرض از مبدأ و روند	1	-4.9858	-3.5348	NGBF	مانده اعتبارات بانکی...
مانا	با عرض از مبدأ و روند	3	1.5032	-3.5313	CIT	مالیات بر اشخاص حقوقی
نا مانا	با عرض از مبدأ و روند	3	-2.4079	-3.5279	FDI	سرمایه‌گذاری خارجی
مانا	با عرض از مبدأ و روند	1	4.9808	-3.5348	DFDI	سرمایه‌گذاری خارجی
مانا	با عرض از مبدأ و روند	3	-3.9045	-3.5348	LP	بهره‌وری نیروی کار
نا مانا	با عرض از مبدأ و روند	3	-2.4854	-3.5279	DB	فضای کسب‌وکار
مانا	با عرض از مبدأ و بدون روند	3	-3.5032	-2.9400	DDB	فضای کسب‌وکار

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه متغیرهای مختلف مدل در وقفه‌های مختلف، پایا هستند. می‌توان با استفاده از روش ARDL اقدام به تخمین الگو نمود. دلیل اصلی انتخاب چنین روشی این است که در روش مورد نظر درجه همبستگی متغیرها مهم نیست و همچنین با تعیین وقفه‌های مناسب برای متغیرها، می‌توان مدل مطلوب را بر اساس نظریه اقتصادی انتخاب کرد. در مرحله اولیه کلیه متغیرهای الگو وارد و تخمین مدل صورت گرفت. سپس با توجه به فرضیات مدل که بر ارزیابی سیاست‌های مختلف دولت در ایجاد اشتغال متمرکز است و با عنایت به آماره‌های دوربین واتسون و F و سطح معناداری متغیرها برخی متغیرها از مدل خارج شدند. در نهایت مدل با در نظر گرفتن اشتغال به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای رشد اقتصادی، مخارج دولت، ذخیره سرمایه، دستمزد واقعی، مالیات بر درآمد شرکت‌ها، مانده تسهیلات اعتباری پرداختی به بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فضای کسب‌وکار به عنوان متغیر مستقل

تخمین زده شد. با توجه به سالیانه بودن داده‌ها حداکثر مرتبه وقفه دو سال تعیین گردید. در تخمین مدل با الگوی ARDL در گام نخست مدل پویای کوتاه‌مدت با استفاده از نرم‌افزار Microfit برآورد می‌شود. وقفه بهینه متغیرها بر اساس معیار شوارز-بیزین به صورت $ARDL(1,2,0,1,0,0,0,0,2)$ می‌باشد. نتایج حاصل در جدول شماره (۲) ارائه شده است: جدول ۲: نتایج حاصل از تخمین مدل پویا $ARDL(1,2,0,1,0,0,0,0,2)$ متغیر وابسته

لگاریتم اشتغال LEMP

احتمال	آماره‌ها	انحراف معیار	ضرایب یا پارامتر	نماد	نام متغیر
0.004	3.2582	0.10224	0.33312	LEMP(-1)	لگاریتم اشتغال (با وقفه)
0.034	2.2628	0.045799	0.10363	LGDP(0)	لگاریتم تولید ناخالص داخلی
0.845	-0.19782	0.044646	-0.0088322	LGDP(-1)	لگاریتم تولید ناخالص داخلی(با)
0.019	2.5423	0.037095	0.094306	LGDP(-2)	لگاریتم تولید ناخالص داخلی (با وقفه)
0.003	-3.3862	0.020565	-0.069636	LGE(0)	لگاریتم مخارج دولت
0.006	3.0731	0.013817	.042461	LCIT(0)	لگاریتم مالیات بر درآمد شرکت‌ها
0.025	2.4062	0.010972	0.026401	LCIT(-1)	لگاریتم مالیات بر درآمد شرکت‌ها
0.010	2.8483	0.017570	0.050045	LNGBF	لگاریتم مانده تسهیلات بانکی به بخش خصوصی
0.058	2.0076	0.5319E-5	-0.1068E-4	FDI	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
0.016	2.6162	0.086250	0.22565	LDB	لگاریتم فضای کسب‌وکار
0.000	-4.2543	0.048822	-0.20771	LLP	لگاریتم بهره‌وری نیروی کار
0.428	0.80750	0.025012	0.020197	LRW	لگاریتم دستمزد واقعی
0.000	-4.6164	0.0034883	-0.016103	LSC	لگاریتم ذخیره سرمایه
0.099	-1.7278	0.0045270	-0.0078216	LSC(-1)	لگاریتم ذخیره سرمایه (با وقفه)
0.000	-5.3466	0.0043121	-0.23055	LSC(-2)	لگاریتم ذخیره سرمایه (با وقفه)
0.000	5.5666	1.5356	8.5478	A	عرض از مبدأ
0.001	-3.8781	0.010732	-0.041620	DUMI1	متغیر موهومی اول
0.005	-3.1136	0.021266	-0.066214	DUMI2	متغیر موهومی دوم
$R^2 = 0.99$ $\bar{R}^2 = 0.99$ $HDW = -1.4$ $F = 810.139(0.000)$					
Diagnostic Tests					

* Test Statistics * LM Version * F Version *					

* A: Serial Correlation *CHSQ(1) = 2.0742[.150]* * F(1,20) = 1.1234[.302]*					
* B: Functional Form *CHSQ(1) = .64687[.421] * F(1,20) = .33832[.568]*					
* C: Normality *CHSQ(2) = .26255[.877]* * Not applicable *					
* D: Heteroscedasticity *CHSQ(1) = 1.3357[.248] * F(1,37) = 1.3121[.259]*					

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنان که مشاهده می‌شود متغیر دستمزد واقعی دارای رابطه معنی‌داری با اشتغال نمی‌باشند. متغیر سرمایه‌گذاری خارجی در سطح اطمینان ۹۰ درصد و سایر متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی‌داری با اشتغال دارند. آماره F نشان می‌دهد که مدل در سطح ۰,۰۱ درصد معنی‌دار است. همچنین آماره‌های R^2 و \bar{R}^2 نشان می‌دهد که مدل قدرت توضیح دهنده بالایی دارد.

با توجه به آزمون فروض کلاسیک توسط نرم‌افزار میکروفیت، از آنجایی که احتمال مربوط به آزمون‌های خودهمبستگی، تورش تصریح و نرمالیتی بزرگ‌تر از ۰,۰۵ است، بنا بر این فرضیه صفر این آزمون‌ها مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی، همسانی واریانس، عدم تورش تصریح و نرمال بودن جزءاخلال را نمی‌توان رد کرد و مدل برآوردی، فروض مربوط به جمله اخلال را تأمین می‌نماید. برای اطمینان پیدا کردن از درستی برآورد صورت گرفته شرط $\sum \hat{\epsilon}_i < 1$ را مورد بررسی قرار می‌دهیم. یعنی باید مجموع ضرایب با وقفه متغیر وابسته کوچک‌تر از یک باشد؛ که در اینجا مقدار این ضریب 0.33312 است و $(1 - 0.33312)$ یعنی ضریب تعدیل بازار کار ۰,۶۶۷ است.

پس از تخمین رابطه پویا باید بررسی شود که آیا رابطه بلندمدت بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود دارد یا خیر. برای انجام این کار مجموع ضرایب با وقفه متغیر وابسته را از یک کسر و بر انحراف معیارش تقسیم می‌کنیم. (تشکینی، ۱۳۹۲: ۱۴۰)

$$\frac{.33312 - 1}{.10224} = -6.5$$

آماره آزمون -6.5 به دست آمده است با توجه به آنکه از نظر قدر مطلق از مقدار بحرانی جدول بنرجی، دلاو و مستر بیشتر است. فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد و وجود رابطه بلندمدت تأیید می‌گردد.

با توجه به نتایج حاصل از برآورد رابطه بلندمدت، اشتغال با تولید ناخالص داخلی، مخارج دولت، مالیات بر درآمد شرکت‌ها، مانده اعتبارات بانکی نزد بخش غیردولتی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص فضای کسب‌وکار، بهره‌وری نیروی کار و ذخیره سرمایه در طی دوره مورد بررسی رابطه معنی‌داری دارد. ولی بین دستمزد واقعی و اشتغال رابطه معنی‌داری

وجود ندارد. متغیرهای موهومی جنگ تحمیلی و تحریم‌های سازمان ملل رابطه منفی و معنی‌داری با اشتغال دارد.

رابطه بلندمدت را می‌توان به شکل زیر نوشت:

$$\text{LEMP} = 12.8 + 0.28\text{LGDP} - .10\text{LGE} + 10\text{LCIT} + 0.075\text{LNGBF} - .16\text{E-4FDI} + 0.34\text{LDB} - .31\text{LLP} + .030\text{LRW} - .070\text{LSC} - .062\text{DUMI1} - .099\text{DUMI2}$$

T	14.3	4.1	-2.7	3.1	2.7	-1.96	2.4	-5.2	.77	-5.4	-4.02	-2.6
	(0.000)	(.000)	(.012)	(.005)	(.013)	(.063)	(.023)	(.000)	(.447)	(.000)	(.001)	(.017)

با افزایش تولید ناخالص داخلی به میزان یک درصد اشتغال به میزان ۰,۲۸ درصد در بلندمدت افزایش می‌یابد. رابطه مثبت رشد تولید ناخالص داخلی با اشتغال در بلندمدت با تئوری‌های اقتصادی و مطالعات تجربی هم‌خوانی دارد. همچنین افزایش یک‌درصدی مخارج دولت اشتغال را به میزان ۰,۱ درصد در بلندمدت کاهش می‌دهد. بر اساس برخی مطالعات تجربی با وجود اینکه افزایش مخارج دولت اشتغال دولتی را افزایش می‌دهد ولی در بلندمدت با کاهش اشتغال خصوصی کل اشتغال را کاهش خواهد داد. این امر ناشی از افزایش دستمزدهای واقعی و محدود شدن فضا برای فعالیت بنگاه‌های خصوصی است. جلب و سابوت (Gelb & Sabut, 1991) طی بررسی ثابت نمودند که در کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان دولت‌ها با گسترش دیوان‌سالاری برای ایجاد اشتغال، عرصه را برای فعالیت‌های بخش خصوصی تنگ‌تر و سخت‌تر کرده و اشتغال خصوصی کاهش می‌یابد. همچنین در این رابطه می‌توان به مطالعه مالی و موتوس (Maly & Moutos, 1996) در کشور سوئد؛ مطالعه مالی و موتوس (Maly & Moutos, 1998) در آلمان، ژاپن و آمریکا و همچنین به تحقیق یان الگان و دیگران (Algan, y et al, 2002) در مورد کشورهای عضو OECD اشاره نمود. در مطالعه نادران و فولادی (۱۳۸۴) نیز اثر منفی مخارج دولت بر اشتغال تأیید شد. افزایش مالیات بر اشخاص حقوقی به میزان یک درصد در بلندمدت اشتغال را به میزان ۰,۱ درصد افزایش می‌دهد. این امر حاکی از تأثیر احتمالی معافیت‌های مالیاتی بخش‌های تولیدی و عملکرد قوانینی تحت عنوان حمایت از تولید می‌باشد. و همچنین می‌تواند بیانگر سهم اندک مالیات بر درآمد شرکت‌ها و ناچیز بودن سهم هزینه‌های مالیاتی از هزینه شرکت‌ها و فرار مالیاتی آن‌ها باشد. البته مطالعات تجربی نشان می‌دهد که شرکت‌های فعال در بخش دولتی و شبه‌دولتی مالیات ناچیزی می‌پردازند. امین رشتی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای

به عنوان چالش‌های مودیان سخت الوصول به این موضوع پرداخته است. همچنین در بررسی منابع درآمدی بودجه سال ۱۳۹۹ ملاحظه می‌گردد که بخش خصوصی ۲۷ درصد و شرکت‌های دولتی ۶,۴ درصد از کل درآمدهای مالیاتی را باید بپردازد. با بررسی بخش درآمدهای مالیاتی دولت در گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی طی سال‌های مختلف نیز این روند تأیید می‌گردد. افزایش مانده اعتبارات بانکی بخش غیردولتی به میزان یک درصد اشتغال را به میزان ۰,۰۷ درصد افزایش خواهد داد. افزایش سرمایه‌گذاری خارجی به میزان یک واحد اشتغال را به اندازه 0.000016 واحد در بلندمدت کاهش خواهد داد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اولاً سرمایه‌گذاری خارجی در بلندمدت تأثیر اندکی بر اشتغال دارد و دوماً این سرمایه‌گذاری باعث کاهش اشتغال گردیده است. که می‌تواند ناشی از تمرکز سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های دارای تکنولوژی پیشرفته و عمدتاً سرمایه‌بر باشد. یک درصد بهبود در شاخص فضای کسب‌وکار اشتغال را به میزان ۰,۳ درصد افزایش خواهد داد. مجموعه اقداماتی که دولت‌ها در جهت بهبود فضای کسب‌وکار در چارچوب اصلاح قوانین و مقررات، تسهیل شرایط صدور مجوز و اصلاح قوانین بانکی و مالیاتی و... انجام می‌دهند در ایجاد اشتغال تأثیر مطلوبی داشته است. افزایش یک درصدی بهره‌وری نیروی کار در بلندمدت اشتغال را به میزان ۰,۳ درصد کاهش می‌دهد. افزایش بهره‌وری نیروی کار همزمان با پیشرفت تکنولوژی باعث کاهش اشتغال گردیده است و این امر حاکی از عدم ایجاد فرصت‌های شغلی جدید متناسب با رشد تکنولوژی می‌باشد. رشد تکنولوژی موجب جایگزینی سرمایه به جای نیروی کار گردیده و تعداد شاغلین را کاهش داده است. یک درصد افزایش در ذخیره سرمایه در بلندمدت اشتغال را به میزان ۰,۰۷ درصد کاهش می‌دهد. با توجه به اصل لوشا تولیه هرچه کارگزاران اقتصادی، با محدودیت کمتری روبرو باشند، به تغییرات محیط اقتصادی خود راحت‌تر واکنش نشان می‌دهند. در بلندمدت امکان جانشینی نیروی کار و سرمایه برای بنگاه‌ها وجود دارد. همچنین این امر ناشی از نگهداری بخش عمده سرمایه به صورت کنز است که نقشی در فعالیتهای مولد ندارد. افزون بر این بخش عمده ذخیره سرمایه در اختیار بخش عمومی و دولتی می‌باشد که تحقیقاتی در گذشته رابطه منفی ذخایر سرمایه دولت و اشتغال را تأیید نموده است. نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد که علی‌رغم تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری خصوصی بر اشتغال اثر منفی سرمایه‌گذاری بخش عمومی به حدی بوده است که اثر کل ذخیره سرمایه بر اشتغال

منفی گردیده است. سهیلی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله بررسی اثرات سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی بر اشتغال دریافتند که سرمایه‌گذاری خصوصی اثر مثبت و سرمایه‌گذاری عمومی اثر منفی بر اشتغال دارد. همچنین در بررسی هم‌زمان تأثیر سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی اثر منفی سرمایه‌گذاری دولتی و اثر مثبت سرمایه‌گذاری خصوصی تأیید گردید. میازاکی (Miyazaki, 2010) در تحقیق بررسی تأثیر سیاست مالی بر متغیرهای اقتصادی در ژاپن دریافت که تأثیرات منفی سیاست مالی انبساطی بر متغیرهای اقتصادی از جمله اشتغال بسیار گسترده‌تر از تأثیرات مثبت آن می‌باشد. این امر می‌تواند بیانگر عدم کارایی سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته طی سالیان گذشته باشد. به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری‌های غیر کارآمد با بهره‌وری پایین که یکی از ویژگی‌های اقتصادهای نفتی و دولت‌های رانتینر می‌باشد. بین دستمزد واقعی و اشتغال در بلندمدت رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این امر ناشی از تغییرات اندک دستمزد واقعی با توجه به نرخ‌های تورم بالا و سهم ناچیز هزینه دستمزد در مخارج بنگاه‌ها بوده است. با توجه به نتایج تخمین مدل، جنگ تحمیلی تأثیر منفی و معنی‌داری بر اشتغال داشته است. با وجود اینکه تحریم‌ها بخشی از واقعیت اقتصادی ایران از اوایل پیروزی انقلاب اسلامی بوده است ولی تحریم‌های اعمال شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد که از اواسط دهه هشتاد اعمال گردید، تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد ایران داشته است و همچنان که تخمین صورت گرفته نشان می‌دهد این تحریم‌ها تأثیر منفی و معنی‌داری بر اشتغال داشته است. رابطه کوتاه‌مدت بین متغیرها هم به صورت زیر برآورد می‌شود:

$$ecm = LEMP - 0.28357LGDP + .10442LGE - .10326LCIT - .075043LNGBF + 1601E - 4FDI - .33836LDB + .31146LLP - .030286LRW + .070448LSC - 12.8176A + .062410DUM1 + .099289DUM$$

$$R^2 = 0.88 \quad \bar{R}^2 = 0.88 \quad F(10.6396) = (0.000)$$

در مدل تصحیح خطا ضریب تصحیح خطای مدل اهمیت زیادی دارد. این ضریب سرعت تعدیل عدم تعادل را نشان می‌دهد. ضریب جمله تصحیح خطای مدل $Ecm(-1)$ کوچک‌تر از یک و از نظر آماری معنی‌دار است. منفی بودن این ضریب به این معنی است که هر عدم تعادلی در الگو در بلندمدت به سمت تعادل حرکت می‌کند. ضریب تصحیح خطای مدل که برابر -0.66688 می‌باشد، نشان می‌دهد که در هر سال حدود ۶۷ درصد از انحرافات اشتغال از سطح تعادل بلندمدت خود برطرف می‌شود، همچنین علامت منفی ضریب Ecm نشان‌دهنده پایدار بودن تعادل بلندمدت است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

امروزه بهبود فضای کسب‌وکار به عنوان یکی از راهبردهای رشد و توسعه اقتصادی کشورها تلقی می‌گردد. بدین منظور مجموعه‌ای از عوامل نهادی به صورت منسجم در قالب شاخص فضای کسب‌وکار در تحلیل‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. عوامل متعدد و متنوعی شامل عوامل ساختاری، قوانین و مقررات، بازارهای مالی، اعتبارات بانکی، ثبات سیاست‌گذاری، مالیات‌ها و... در این شاخص لحاظ گردیده است که دولت در شکل‌دهی محیط نهادی نقش حیاتی دارد. مقایسه کشش اشتغال‌زایی عوامل مختلف نشان می‌دهد که شاخص فضای کسب‌وکار و به‌طور کلی شرایط حکمرانی مناسب‌ترین تأثیر را در دوره زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت بر اشتغال دارد. در صورت تحول مثبت و قابل توجه در این شاخص کارایی سایر عوامل مورد بررسی مثل مخارج دولت، اعتبارات بانکی، سرمایه‌گذاری خارجی و... افزایش خواهد یافت و زمینه برای تحول اقتصادی و از جمله افزایش فرصت‌های شغلی فراهم خواهد شد. بدیهی است در مقابل این اصلاحات مقاومت ساختاری وجود دارد، ولی تنها راه برون‌رفت اقتصاد ایران از شرایط رکود تورمی اصلاحات نهادی و بهبود فضای کسب‌وکار است؛ لذا توصیه می‌گردد که با جلب حمایت سازمان‌ها و سیاست‌گذاران و نهادهای مردمی تأثیرگذار در این زمینه، اقدامات جدی در رابطه با اصلاح فضای کسب‌وکار کشور صورت گیرد. تا از این طریق شرایط مناسب‌تری برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم گردد.

با توجه به اینکه رابطه منفی و معنی‌داری بین مخارج دولت و اشتغال وجود دارد. پیشنهاد می‌گردد که تجدید نظر اساسی نسبت به شیوه عملکرد دولت در اقتصاد صورت گیرد. علی‌رغم رشد فزاینده مخارج دولت و پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته در برنامه‌های توسعه، دولت در دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده موفقیت‌چندانی کسب نکرده است. دلایل مختلفی می‌تواند در توجیه این عملکرد بیان کرد از جمله بی‌ثباتی راهبرد توسعه کشور، عملکرد نامناسب اقتصاد سیاسی (تعاملات میان بازیگران اقتصاد و مقامات سیاسی) کشور که منجر به رونق بخشیدن بخش غیر مولد می‌شود. همچنین حضور گسترده دولت و بخش شبه‌دولتی فعالیت بخش خصوصی را محدود نموده و اشتغال‌زایی توسط این بخش هم انجام نمی‌شود. اصلاحات ساختاری، کوچک کردن و کارآمد کردن دولت، شفافیت عملکرد دولت و تعامل آن با بازیگران اقتصادی از جمله پیشنهادات اصلاحی در این حوزه می‌باشد.

در رابطه با سیاست‌های مالیاتی به‌ویژه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی بایستی نظارت لازم صورت گیرد که معافیت‌ها و تخفیفات مالیاتی صرفاً به آنچه مد نظر قانون‌گذار بوده تعلق گیرد و منجر به فرار مالیاتی نگردد و احیاناً بخش‌های غیر مولد با استفاده از مواد و تبصره‌های قانونی از پرداخت مالیات خودداری ننمایند.

علی‌رغم تصویب قانون جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تشویقات پیش‌بینی‌شده در قوانین توسعه، بر اساس گزارشات بانک جهانی میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وارد شده به کشور ناچیز و در برخی سال‌ها صفر بوده است. و بر اساس نتایج حاصل از تخمین مدل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر اندک و منفی بر اشتغال داشته است. ضروری است ضمن پیش‌بینی تمهیدات لازم و فراهم نمودن شرایط از جمله بازنگری در روابط خارجی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی ترتیبی اتخاذ گردد که این سرمایه‌گذاری‌ها مکمل سرمایه‌گذاری داخلی بوده و ملزم به استفاده از عوامل تولید از جمله نیروی کار داخلی گردد تا در این مسیر فرصت‌های شغلی بیشتری فراهم گردد.

یکی از عوامل مؤثر در کاهش اشتغال چسبندگی‌های موجود در بازار کار است. علی‌رغم اینکه از زمان تدوین طرح ساماندهی اقتصادی (اواسط برنامه دوم توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) اصلاح قانون کار در کلیه برنامه‌های توسعه مورد تأکید قرار گرفته است، اقدام اساسی به جز اصلاحات جزئی، در این رابطه انجام نشده است. افزایش انعطاف‌پذیری بازار کار می‌تواند در ایجاد اشتغال مؤثر واقع گردد. برخلاف تصور عمومی بررسی تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که انعطاف‌ناپذیری در قوانین و مقررات کار صرفاً به نفع کارگران داخل‌گود و به زیان کارگران خارج‌گود (بیکاران) می‌باشد کشورهایی که قوانین کار انعطاف‌پذیرتری داشته‌اند در ایجاد اشتغال موفق‌تر بوده‌اند.

سیاست تزریق پول و اعطای اعتبار بدون شک قدیمی‌ترین روشی بوده است که به منظور ایجاد اشتغال مورد استفاده قرار گرفته است. تحقیق حاضر نشان داد که مانده اعتبارات بخش غیردولتی تأثیر مثبت و معناداری بر اشتغال دارد. ولی تأثیر آن با توجه به اهمیتی که دولت‌ها به آن داده‌اند نسبت به برخی عوامل دیگر کمتر بوده است. توصیه می‌شود ساختار سیستم بانکی به نحوی مورد بازنگری قرار گیرد که بانک‌ها توانایی ارزیابی پروژه‌های پیشنهادی

جهت اخذ وام و همچنین نظارت بر مصرف اعتبارات پرداختی را داشته باشند. تا بدین طریق از انحراف اعتبارات به بازارهای موازی و فعالیت غیر مولد و تبدیل به دیون شدن اعتبارات پرداختی پیشگیری شود.

طی سال‌های گذشته به دلیل حمایت نهادی صورت گرفته از بخش‌های نامولد، نرخ تورم بالا و کارکرد نامناسب نظام مالیاتی شاهد افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیر مولد نسبت به بخش‌های مولد اقتصاد بوده‌ایم؛ لذا حجم بالایی از ذخایر سرمایه کشور به صورت کنز پول و کنز سرمایه فیزیکی (ارز، طلا، ساختمان و...) از مدار تولید خارج گردیده است. به دنبال این تحولات شاهد تأثیر منفی ذخیره سرمایه بر اشتغال هستیم. دولت بایستی با اصلاح نظام مالیاتی، اخذ مالیات بر عایدی سرمایه و کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی بستر انتقال منابع از بخش غیر مولد به بخش مولد را فراهم نماید.

کتابنامه

کتاب و مقالات

۱. فارسی

- آل عمران، رویا؛ آل عمران، سیدعلی و وحیده کسمایی پور (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر بهره‌وری نیروی کار بر بیکاری در ایران»، مدیریت بهره‌وری، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۴۷-۶۰.
- ابونوری، اسماعیل؛ سوری، علی و محبوبه فراحتی (۱۳۹۶)، «ارتباط میان بیکاری، توزیع درآمد و تقاضای موثر در ایران، رهیافت پساکینزی SVAR»، پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، دوره ۱۷، شماره ۴، صص ۱-۲۰.
- تشکینی، احمد (۱۳۹۳)، اقتصادسنجی کاربرد به روش مایکروفیت، چاپ اول، تهران: انتشارات نور علم.
- جعفری صمیمی، احمد و حمید آذرمنند (۱۳۸۴)، «بررسی تأثیر متغیرها نهادی اقتصادی در کشورهای جهان»، فصلنامه دانش و توسعه، شماره ۱۶، صص ۱۱-۳۶.
- دباغ، رحیم (۱۳۸۴)، «سیاست‌ها اشتغال‌زایی کشورها مختلف و ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۱، شماره ۳۷-۳۸، صص ۱۴۷-۱۶۸.
- رحمانی، تیمور؛ بهپور، سجاد و علی حسین استاد زاده (۱۳۹۳)، «رابطه بین بهره‌ور و نرخ بیکار در ایران: رویکرد سیستم معادلات هم‌زمان»، پژوهش‌ها و سیاست‌ها اقتصادی، دوره ۲۱، شماره ۶۷، صص ۱۵۳-۱۷۰.
- رضاقلی‌زاده، مهدیه (۱۳۹۳)، «ارزیابی اثرات سیاست‌ها مالی دولت از مسیر تغییر در درآمدها مالیاتی بر اشتغال»، پژوهشنامه اقتصاد کسب و کار، دوره ۵، شماره ۹، صص ۳۹-۵۰.
- سهیلی، کیومرث؛ فتاحی، شهرام و سعیده محمدی (۱۳۹۶)، «بررسی نقش و اثرات سرمایه‌گذار خصوصی و عمومی بر اشتغال در استان‌ها ایران: با رویکرد گشتاورها تمم‌یافته»، پژوهشنامه اقتصاد کلان، دوره ۱۲، شماره ۲۴، صص ۱۲۱-۱۴۸.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ امیری، بهزاد و مهسا گنجی (۱۳۹۵)، «تأثیر نهادها بر نرخ بیکاری»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۴، شماره ۷۹، صص ۱۶۵-۱۸۸.
- شریف‌آزاده، محمدرضا؛ کمیجانی، اکبر؛ محمدی، تیمور و اکبر باقری (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر متغیرها نئوکلاسیکی و نهادی (شاخص‌ها حکمرانی خوب) بر نرخ اشتغال کشورها توسعه‌یافته عضو سازمان همکاریها اقتصادی (OECD)»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱-۱۵.
- عرب مازار، عباس و مریم احمدیان (۱۳۸۹)، «شاخص فضای کسب‌وکار و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران»، اقتصاد و الگو سازی، شماره ۴، صص ۵۴-۸۲.
- کمیجانی، اکبر؛ الهی، ناصر و طاهره بیژنی میرزا (۱۳۹۴)، «تأثیر سیاست‌ها پولی در نوسان قیمت دارایی‌ها مالی و حقیقی»، مطالعات و سیاست‌ها اقتصادی، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۳-۲۴.

متوسلی، محمود (۱۳۸۴)، *توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی*، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

مهدوی، ابوالقاسم و حمید عزیز محمدلو (۱۳۸۳)، «سرمایه‌گذار مستقیم خارجی و اشتغال در کشورها در حال توسعه»، *مجله دانش و توسعه*، شماره ۱۵، صص ۶۹-۸۴.

مهرآرا، محسن (۱۳۹۷)، «بررسی سهم عوامل اقتصادی در نوسان‌های دستمزد، بهره‌وری و بیکاری»، *برنامه و بودجه*، دوره ۵، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۵۵-۱۰۴.

نظری، محسن و فاطمه گوهریان (۱۳۸۱)، «بررسی اثر متغیرهای سیاست پولی بر اشتغال به تفکیک بخش‌ها عمده اقتصاد در ایران (۱۳۴۵-۸۷)»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۰، صص ۱۸۷-۲۰۷.

نوبخت، محمدباقر (۱۳۸۷)، *اقتصاد کار (راهبردها تعادل بازار کار و اشتغال فارغ‌التحصیلان)*، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

نوفروستی، محمد (۱۳۹۵)، *ریشه واحد و هم‌جمعی در اقتصادسنجی*، چاپ ششم، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

نیکو نسب، علی و علیرضا اشرفی احمدآبادی (۱۳۹۷)، *بررسی سیاست کشورها در زمینه اشتغال و دلالت‌های آن برای ایران (مورد مطالعه کره جنوبی، چین، مالزی و برزیل)*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

وحیدی، پردخت (۱۳۸۱)، «بررسی مقایسه‌ای سیاست‌ها بازار کار ایران در برنامه سوم»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۱۸۳-۲۲۵.

۲. لاتین

Berben, Robert-paul & Brosens, Teunis (2007). "The Impact of Government Debt on Private consumption in OECD Countries", *Economics Letters*, Vol. 94, No. 2, pp. 220-225.

Gallegati, Marco; Gallegati, Mauro; Ramsey, James B. & Willi Semmler (2015). "Productivity and Unemployment: A Scale-By-Scale Panel Data Analysis for the G7 Countries", *Journal studies in Nonlinear Dynamics & Econometrics*, Vol. 20, No. 4, PP. 477-493.

Jude, C.; Loana, M. & S. pop (2016). "Employment effects of forign direct investment; New evidence from Central and Estern European Countries", *Internatinal Economics*, Vol. 145, pp. 32-49.

Miyazaki, Tomomi (2010). "The Effects of FiscalPolicy in the 1990s in Japan: a VAR Analysiswith Event Studies", *Japan and the World Economy*, Vol. 22, No. 2, pp. 80-87.

Morrissey, Oliver (2012). "Governance, Private Investment and Foreign Direct Investment inDeveloping Countries", *World Development*, Vol. 40, No. 3, pp. 437-445.

Saray, M.O (2011). "The Relationship of Foreign Direct Investment and Employment: Turkey Case (1970-2009)", *Journal of Finance*, No. 161, pp. 381- 401.